

مسأله محوری در اندیشه و شخصیت احمد خانی بر پایه نظریه آبراهام مزلو

جیهاد شکری رشید

گروه زبان فارسی، دانشکده زبان، دانشگاه صلاح الدین، اقلیم کردستان، عراق

Jihad.rashid@su.edu.krd

نیمه‌یل:

چکیده:

آبراهام هارولد مزلو (۱۹۷۰-۱۹۰۸) از پیشروان روان‌شناسی انسان‌گرا و نظریه پرداز انگیزش انسانی به شمار می‌رود. او نظریه‌ای درباره انگیزش‌های انسانی مبنی بر اینکه در انسان‌ها نیاز به خود شکوفایی و تمایل برای تحقیق قابلیت‌های خود وجود دارد و همه از چنان انگیزش ذاتی برخوردارند که می‌توانند نیازهایشان را به شکل سلسله مراتب و هوشیارانه در زندگی تحقق و تعالی بخشند، ارائه داد. در حوزه ادب کوردی؛ خانی از جمله شخصیت‌های مهم ادبی است که بر اساس شاخصه‌هایی که مزلو از آن یاد کرده است، در چارچوب نظریه مزلو قابل نقد و بررسی است که می‌توان اندیشه و شخصیت او را با مؤلفه‌های آبراهام مزلو مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. نگارنده در این پژوهش سعی بر آن دارد تا با روش تطبیقی-تحلیلی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظریه خودشکوفایی مزلو یعنی مسأله مداری را در شخصیت خانی بسنجد و به مهم‌ترین مسأله‌هایی که در اندیشه و شخصیت شاعر نمود دارد در معرض دید خواننده قرار دهد تا از این طریق نشان داده شود که احمد خانی را می‌توان در قالب نظریه آبراهام مزلو، فردی خودشکوفا و در عین حال، مسأله محور به شمار آورد. نتایجی که از این جستار حاصل می‌شود، می‌تواند ادله محکمی جهت نشان دادن خودشکوفایی و برجستگی شخصیت خانی باشد. زیرا خانی رسالت بزرگی در زندگی داشت که نیروی اصلی اش را برای تحقق آن صرف کرد و خواسته‌های خود را فدای هدفی بزرگ‌تر می‌کند که مایه افتخار جامعه و افراد آن حتی برای نسل بعد از آن شده است.

واژه‌های کلیدی: آبراهام مزلو، خانی، مثنوی مم و زین، خودشکوفا، مسأله مداری

۱. مقدمه:

مسأله محوری یکی از معیارهای نظریه آبراهام مزلو است که در میان چهره های برجسته ادبی در ادبیات کوردی، احمد خانی یک شخصیت مسأله محور به شمار می رود. در میان نحله های گوناگون روانشناسی، انسان گرایی از ویژه ای برخوردار است. انسان گرایی^(۱) نظامی فکری است که در آن تمایلات و ارزشهای انسان در درجه اول اهمیت قرار دارند. اصطلاح روانشناسی انسان گرایی^(۲)، ابتدا توسط گوردون آلپورت^(۳) در سال ۱۹۳۰ به کار برده شد. (مدی، ۱۹۹۶: ۹۵) رویکرد انسان گرایی در شخصیت که بخشی از جنبش انسان گرایی است کوشید تا کل روانشناسی را اصلاح کند. این رویکرد تصویری زیبا و خوش بینانه از ماهیت انسان به دست می دهد و مردم را موجوداتی فعال و خلاق می داند که به خودشکوفایی، رشد و پیشرفت توجه دارند (شولتس، ۱۳۷۸: ۳۵۳). نماینده برجسته این مکتب آبراهام مزلو^(۴) (پدر انسان گرایی نوین) نام دارد که با ارائه خودشکوفایی گامی مهم در شناخت ابعاد مثبت شخصیت انسان برداشت. توجه به انسان و ارزش مقام او در جهان هستی، همواره مورد توجه خانی بوده است. در این پژوهش، با نگاهی روانشناختی به جهان بینی و شیوه برداشت خانی در چهارچوب مسأله مداری نظریه آبراهام مزلو، افکنده می شود تا نشان داده شود که تا چه اندازه احمد خانی در رفع نیازهای انسانگرایانه بر اساس هرم مزلو، ضمانت اجرایی لازم را برای فراخوان انسان گرایانه خود ایجاد می نماید. به گونه ای که پندار و عملکرد وی، رنگی معنوی و کاربردی به زندگانی او بخشیده و انگیزه ای استوار برای گرایش به آن خلق نموده است که با نمونه ها و مصداق هایی از مسأله مداری مستند شده است. اینگونه پژوهش ها تحقیقات میان رشته ای نامیده می شوند که در دنیای امروزی رونق فراوانی یافته است و نتایج مفید و ارزنده ای به جا گذاشته است. این پژوهش پیوندی است میان ادبیات و روانشناسی، هرچند ادبیات و روانشناسی هیچگاه از هم مجزا نبوده اند و اگر ادبیات جزو علوم انسانی است به یک اعتبار به سبب آن است که محصول ذهنی آدمی است و هیچ علمی برای مطالعه ذهن آدمی و فرآورده های آن شایسته تر از روانشناسی نیست (شمیسا، ۱۳۹۱: ۲۷۵). در هر صورت با توجه به مسئله های محوری از ایدئولوژی احمدخانی که در این جستار از آنها سخن به میان خواهد آمد می توان نشان داد که خانی در زمره خودشکوفاترین و واقع گراترین شخصیت هایی قرار دارد که در گستره ادبیات کوردی ظهور کرده است.

۱,۱ هدف و ضرورت پژوهش:

روانشناسی به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی، تأثیر بسزایی در فهم و تفسیر متون ادبی دارد که درباره تحلیل روانشناسانه شخصیت خانی در محوریت مسأله مداری بر اساس الگوی انسانگرایانه مزلو هیچ پژوهش مستقلی تاکنون آن چنانکه شایسته اثر ارزشمند و گرانسنگی چون مم و زین است، پرداخته نشده است و حاصل تلاش ها در پیوند اندیشه خانی با روانشناسی انسان گرا، در حد اشاره هایی به شخصیت خود شاعر، محدود مانده است و پژوهشگران، نه به علل و زمینه های خودشکوفایی و تجارب والای خانی، بلکه تنها به محصولی از آنچه در بیان مثنوی مم و زین بروز یافته است، پرداخته اند. حال آنکه اندیشه و افکار خانی نیز، همچون آثار هنری اش، سرشار از شگفتی است و چه بسا خود، هنری شگرف تر از اعجاب سخن او باشد که متأسفانه در این بخش نسبت به دیگر مباحث خانی پژوهی، بیشتر غفلت شده است و هدف اساسی این مقاله آن است که بدانیم صرف نظر از ظرایف و

لطایف ادبی که در مثنوی مم و زین وجود دارد، با در نظر داشتن الگوی انسانگرایی آبراهام مزلو و با تکیه بر محوریت مسأله مداری او، در واقع چه مباحثی و مسأله هایی در این راستا در اندیشه و شخصیت احمد خانی به چشم می خورد.

۲,۱ پیشینه پژوهش:

با وجود مطالعات و تحقیقاتی که بر روی مثنوی مم و زین صورت گرفته است، پژوهشی که به بررسی مسأله محوری در این اثر ارزشمند پرداخته باشد، تا به حال صورت نگرفته است و مقاله حاضر از جهت پرداختن به این جنبه (روانشناسی) در این متن، دارای نوآوری و خلاقیت است.

۳,۱ طرح بیان مسأله:

جستار پیشرو بر آن است تا افق های جدیدی را در مقوله روانشناسی (در محوریت مسأله مداری) در مثنوی مم و زین به روی خوانندگان بگشاید و نحوه تفکر و روش رویارویی احمد خانی را به نمایش بگذارد و به پرسش های اساسی زیر پاسخ دهد:

(۱) شاخصه های مسأله مداری در جهان بینی و منظومه فکری از نگاه خانی کدام است و چگونه این مضامین را در شعر خویش نمایان ساخته است؟

(۲) آیا می توان شخصیت خانی را به عنوان یک نمونه عملی از مزلو به عنوان یک مسأله محور در رویکرد روانشناختی انسان گرا برای انسان های خودشکوفه ارائه داد و درجه صحت و اعتبار تجربی این نظریه را محک زد؟

(۳) خانی تا چه اندازه توانسته است مسأله محوری را در شعرش با زیباترین و بدیع ترین تصویرها و واژگان، ترسیم کند و خواسته های خود را فدای هدفی بزرگ تر کند تا جامعه و افراد آن به بالندگی و کمال دست یابند؟

۴,۱ فرضیه پژوهش:

مثنوی مم و زین گنجینه ای است سرشار از رموز و اسرار که برای پی بردن به معانی دقیق و نکات ظریف این کتاب، شناخت و کشف رموز و اسرار نهفته در محتوای آن ضروری می نماید و شخصیت احمدخانی به استناد اثر گرانسنگش، به گونه ای است که ظرفیت بررسی از دیدگاه روانشناسی انسانگرایی مزلو را دارد که مسأله مداری را می توان از عوامل مؤثر در فرایند خودشکوفایی یا تحقق شخصیت احمدخانی به شمار آورد. حال باید دید آن احساسات و درون مایه محوری و انسانی حاکم بر تخیل و تفکر خانی کدام است.

۵,۱ روش پژوهش:

این تحقیق از حیث ماهیت، تحلیلی و از نظر استفاده از داده ها و معلومات، توصیفی- کیفی محسوب می شود. گردآوری داده ها در این پژوهش از طریق فعالیت کتابخانه ای صورت گرفته و بخشی از محتوای مقاله، محصول تأملات شخصی نگارنده و مبتنی بر روش تحلیلی- استدلالی است.

۲. بحث و بررسی:

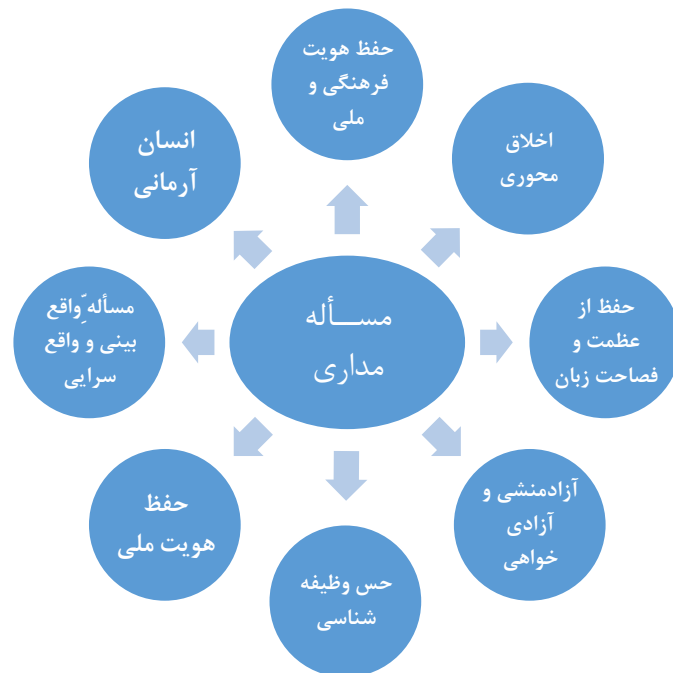
۱,۲ آبراهام مزلو:

آبراهام هارولد مزلو (۱۹۷۰-۱۹۰۸) از پیشروان روان‌شناسی انسان‌گرا و نظریه پرداز انگیزش^(۵) انسانی به شمار می‌رود که نظریه خودشکوفایی او مورد توجه و اقبال فراوان قرار گرفته است. مزلو «در ایده خود بر ارزش‌های انسانی تأکید فراوان داشت و توجه انسان به این ابعاد را معیار خودشکوفایی و رشد شخصیتی دانست» (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸). او نظریه‌ای درباره انگیزش‌های انسانی مبنی بر اینکه در انسان‌ها نیاز به خودشکوفایی^(۶) و تمایل برای تحقیق قابلیت‌های خود وجود دارد و همه از چنان انگیزش ذاتی برخوردارند که می‌توانند نیازهایشان را به شکل سلسله مراتب و هوشیارانه در زندگی تحقق و تعالی بخشند، ارائه داد. (برونو، ۱۳۷۰: ۲۲۳) البته روان‌شناسان انسان‌گرا الگوهای مختلفی برای تحقق تمام‌توانایی انسان ارائه کرده‌اند. که در این میان مزلو از جمله روانشناسان انسان‌گرای مشهوری است که از انسانی که موفق به تحقق خود شده است، سخن می‌گوید و ویژگی‌هایی برای انسان خودشکوفای مطرح می‌کند. خودشکوفایی یعنی گرایش بنیادی هر شخص برای تحقق بخشیدن (به عینیت در آوردن) هر چه بیشتر توانی‌های بالقوه (ذاتی) خود (Maddi, 1996: 102) که برای افراد خودشکوفای ویژگی‌هایی را قائل است. این ویژگی‌ها عبارتند از: درک بهتر واقعیت و برقراری رابطه سهل‌تر با آن، پذیرش (خود، دیگران و طبیعت)، خودانگیزگی، مسأله‌مداری، کیفیت‌کناره‌گیری یا نیاز به خلوت و تنهایی، خودمختاری، تجربه‌عرفانی، استمرار تقدیر و تحسین، حس‌همدردی، روابط بین‌فردی، ساختار منشی مردم‌گرا، تشخیص بین وسیله و هدف و بین نیک و بد، شوخ‌طبعی فلسفی و غیر خصمانه، خلاقیت، مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۱۶-۲۳۸) که به اعتقاد مزلو خودشکوفایی پروسه‌ای است که پایان و غایتی ندارد و همواره در جریان است (Heylighen, 1992: 41).

۲,۲ شاخصه‌های مسأله‌مداری در اندیشه و شخصیت خانی:

بر اساس شاخصه‌هایی که مزلو برای افراد خودشکوفای نام برده است، ایدئولوژی احمد خانی در چهارچوب این نظریه قابل نقد و بررسی است و می‌توان اندیشه و شخصیت او را با این مؤلفه‌ها سنجید. به این اعتبار در مقاله پیش رو، اندیشه و شخصیت خانی با رویکرد به یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های نظریه خودشکوفایی مزلو یعنی مسأله‌مداری، سنجیده خواهد شد. احمد خانی در ایده خود بر ارزش‌های انسانی تأکید فراوان داشت و توجه انسان به این ابعاد را معیار خودشکوفایی و رشد شخصیتی می‌دانست. خانی رسالت بزرگی در زندگی داشت که نیروی اصلی‌اش را برای تحقق آن صرف کرد که در کل، می‌توان از مسأله‌مداری در جهان بینی و منظومه فکری خانی در آیین دیوانش به صورت نمودار در معرض دید قرار داد:

نموداری از مسأله مداری در جهان بینی و منظومه فکری خانی بر پایه نظریه مزلو



۱,۲,۲ مسأله حفظ هویت فرهنگی:

هویت نوعی فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه ای از ویژگی های فرهنگی است که بر دیگر منابع برتری دارند. (کاستلر و اینس، ۱۳۸۴: ۲۲) امروزه دامنه وسیعی از جستارهای فرهنگ عامه را می توان در گرایش های علوم انسانی و اجتماعی، بویژه بخش مهمی از ادبیات و آداب و رسوم مشاهده کرد. بخش بزرگی از دانش بشری و آموزش در جامعه مربوط به فرهنگ عامه است و مطالعات فولکلور منبع مهمی برای شناخت تاریخ زندگی انسان است. (تمیم داری، ۱۳۹۱: ۱۲-۱۴) چنانچه لازمه وجودی ایدئولوژی های تاریخی، شکل گیری آنها در بافت جامعه است؛ بافتی که متضمن یک وضعیت فرهنگی مخصوص به خود است. چراکه به عقیده استوارت هال^(۷) منظور از واژه فرهنگ در عملکردها، بازنمایی ها، زبان عام و رسوم در جامعه اش ریشه دارد. (هال، ۱۹۹۶: ۴۳۹) یکی از محور اصلی فکر و اندیشه خانی در حفظ و نگهداشت هویت فرهنگی بوده است. مثنوی مم و زین با روایت ادبیات شفاهی بخش زیادی از عناصر هویت کوردی را به زمان حال انتقال داده است. مزلو بر این باور است که خودشکوفایان «بیشتر مسئله مدار هستند تا خودمدار و در کل توجه زیادی به خودشان ندارند» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۴) و «احساس می کنند که در زندگی خود مأموریتی دارند؛ یعنی کاری بیرون از خود و ورای خود در پیش دارند که بیشتر انرژی خود را صرف آن می کنند و بیشتر تلاش خود را به آن اختصاص می دهند» (کریمی، ۱۳۷۴: ۱۶۲). از اینرو؛ احمد خانی، اندیشمندی است که دغدغه از میان رفتن فرهنگ ملت کورد را داشته است از اینرو، از مهم ترین عواملی که محرک و انگیزه خانی را برای تلاش در راه نجات گذشته و اندیشه فرهنگ ملت کورد را تشکیل می دهد، حفظ هویت فرهنگی است. مؤلف مم و زین به عنوان یک پژوهشگر ژرف نگر شاهکاری ماندگار از زبان و فرهنگ پدید آورد که تأثیر بیانش در افکار و اذهان نسل ها، مایه یگانگی اجتماعی و اعتلای فرهنگی در سده های

(م، ۲۰۱۲: ۴۸)

بررسی نوروژ و ظرفیت درونی آن در مثنوی مم و زین نشان می دهد که این فرهنگ از ظرفیت بالایی برای تداوم در عصر جهانی شدن^(۸) برخوردار است که همچنان پابرجا مانده و ارزش های نهفته در آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و ابراز آن هدف دیگری را به دنبال داشته است که مردمانی را هم از جنبه فرهنگی و هم به لحاظ جغرافیایی از دیگر ملت های ترک و فارس و عرب متمایز می کند؛ هویتی که به ابزاری برای تحقق مبارزات سیاسی کورد بدل گشته است. از این جهت که نوروژ به عنوان نماد فرهنگ کوردی در مثنوی مم و زین از قابلیت های بالایی برای حفظ خود در عصر جهانی شدن برخوردار است. بنابراین می تواند بر تهدیدها غلبه کند و پابرجا باقی بماند. البته شایان عنایت است که بنا به باور جان فیسک واژه فرهنگ در اصطلاح مطالعات فرهنگی نه مفوم زیباشناسانه دارد و نه بر انسان گرایی تأکید می گذارد، بلکه مفهومی سیاسی است. به عقیده جان فیسک فرهنگ صدای روح انسانی نیست که همواره مردان را خطاب قرار داده است و همچنین فرهنگ نقش مقابله یا مقاومت در برابر جز و مد ماتریالیسم و ابتذال صنعتی کثیف ایفا نمی کند. بلکه کمپیش روشی برای زندگی در جامعه ای صنعتی است که تمام معانی آن تجربه اجتناعی را در برمی گیرد. بنابراین، فرهنگ علاوه بر این که مفهوم سیاسی است؛ ایدئولوژیک هم است چراکه معانی اجتماعی و نحوه ایجاد آن معانی را که با یکدیگر فرهنگ را به وجود می آورند به طور جدایی ناپذیری به ساختار اجتماعی مربوط می شود (فیسک، ۱۳۸۳: ۱۱۷). لذا نوروژ به نوعی ساختار اجتماعی معانی و بازنمایی ها را شکل می دهد که مسلماً این بازنمایی ها به نفع ساختار القا می شوند، بنابراین فرهنگ نوروژی ایدئولوژی است که هر مجموعه ای از روابط اجتماعی مستلزم معانی ساختاری است که زیر بنای آن را شکل می دهد و موجب بقا و ماندگاری آن می شود. چنانچه نوروژ یکی از مؤلفه های شاخص فرهنگ و هویت کردستانی است. نوروژ نقش مهمی در حفظ هویت و همبستگی کردها داشته است. نوروژ می تواند خود را با شرایط جهانی شدن وفق دهد، ویژگی ها و عناصری است که توانسته است تا به امروز پایدار بدارند و از خطرهای موجود در مسیر پیچ و خم تاریخ حفظ نمایند. نوروژ که مروج ارزش های عام، انسانی و تعمیم پذیر است می تواند با تکیه بر این ارزش ها به شناساندن هرچه بهتر و بیشتر خود به جهانیان بپردازد و مانع آسیب دیدن فرهنگ کوردی در مواجهه با جهانی شدن (Globalization) شود. لذا توصیف عید باستانی نوروژ در مثنوی مم و زین از توانایی و قابلیت لازم برای انطباق دادن خود با جهانی شدن برخوردار است و می تواند با غلبه بر چالش های جهانی شدن، با استفاده از فرصت ها، ارزشهای خود را جهانی کند و پایدار بماند. مهم ترین شاخصه جهانی شدن گسترش ارتباطات و همبستگی بشر بین جوامع و گرایش به شکل دادن فرهنگی همگون با شاخصه های عام و فراگیر و مورد قبول جوامع مختلف است. لذا ارزشهایی که مورد قبول و پذیرش جوامع مختلف قرار گیرد در عصر جهانی شدن امکان رشد می یابند. تا آنجایی که فرهنگ کردی نیز در فرایند جهانی شدن همواره با تهدیدهایی روبروست اما خوشبختانه ظرفیت هایی دارد که می تواند با اتکا به آنها پویا باقی بماند. از جمله این ظرفیت ها برخورداری از آیین ها، سنت ها، رسوم، اسطوره ها، نمادها و سمبل های متعدد و متنوع است که بیان آنها باعث شده است که به عنوان عنصر دیگری خانی و اثر سترگ او را به قله ادب پایداری بنشانند.

۲,۲,۲ مسأله انسان آرمانی:

یکی از مسائلی که در اندیشه و شخصیت خانی به عنوان مسأله محور می توان از آن یاد کرد، مسأله انسان آرمانی است. هدف خانی پرورش انسانی است که در طی حیات خویش، سیر تکاملی رشد روحی، روانی و عاطفی را به سلامت طی کند و بتواند به مراتب و درجات کمال دست یابد. پرورش این انسان آرمانی خانی که همان مم است، «مم» در نقش یک منجی و فدایی ظاهر می-شود و سفری طولانی را آغاز می کند و یک سلسله ریاضت، رنج و شکنجه را تحمل می کند تا از مرحله خامی و بی خبری به مرحله بلوغ و کمال دست یابد. این سفر درونی «مم» به دگرگونی و استحاله او می انجامد و او را به مقام والای قهرمانی می رساند و برایش صفات ارزشمند اخلاقی به ارمغان می آورد تا اینکه به تعبیری خداگونه یا ربوبی برسد و همچنان قهرمانی والا و آرمانی برای ملت خود باقی بماند و از این جهت است که جنبه مسئله مداری از طریق این واقعیت نشان داده می شود.

شهباز ذقیدی متر
کتزافترش
شهباز کر و طهیشته ذی العرش (م، ۱۹۶۲):
(۱۷۱)

شهباز ز قید مرکز فرش
پرواز بکرد و رفت تا عرش (م)
(۲۰۱۲: ۲۸۱)

زیرا «افراد خودشکופا چارچوب داوری خود را به فراتر از خویشتن گسترش می دهند» (فیست و فیست، ۱۳۹۱: ۶۰۵). و بیشتر «به مسائل بیرون از خود توجه دارند» (پارسا، ۱۳۷۸: ۴۷۶). احمدخانی برای خود مشکل به شمار نمی آید و توجه زیادی به خودش ندارند بلکه احساس می کند که در زندگی خود مأموریتی دارد؛ یعنی کاری بیرون از خود و ورای خود درپیش دارد و بیشتر تلاش خود را به آن اختصاص می دهد که فرایند کشف جنبه های از وجود "مم" است که او را از دیگر افراد متمایز می کند و باعث رشد روانی "مم" می گردد چنانچه به تعبیری می توان گفت که در واقع مبنای سرودن مثنوی مسأله مداری عارفانه بوده است، این فرایند اساسا فرایندی شناختی است؛ یعنی فرد باید همزمان با بلوغ و رشد خود، بر جنبه های گوناگون خوشایند یا ناخوشایند خویشتن آگاه شود (ویلفرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۵). در این راستا مم، انسان کامل و آرمانی دنیای ذهنی خانی است و شاعر او را آنگونه به تصویر کشیده که بتواند تحول تدریجی انسان آرمانی خود را نشان دهد. "مم" خواسته های خود را که عشق مجازی است فدای هدفی بزرگتر که عشق حقیقی است، می نماید تا جامعه و افراد آن به خصوص "زین" به بالندگی و کمال دست یابند.

عیشق ئابینهیی خودا نومایه
خورشید صیفت خودان ضیایه

(م، ۲۰۰۸: ۲۴۲)

عشق آینهی خدانمایی است
خورشید جهان روشنایی است

(م، ۲۰۱۲: ۳۰۸)

همچنان که به باور مزلو، اهداف آنان نیز غیر شخصی و غیر خودپسندانه است و به خیر بشریت یا عموم یک ملت مربوط می‌شود (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۴). آن چنانکه هدف خانی پرورش انسانی است که در طی حیات خویش، سیر تکاملی رشد روحی، روانی و عاطفی را به سلامت طی کند و بتواند به مراتب و درجات کمال دست یابد تا در نهایت به خیر بشریت یا عموم ملت خویش مربوط شود:

جانان ئه‌وهی دیت و جان ب جان بوو	گافا و مکو جان ژ تن رهوان بوو
مه‌قبولئ ته‌ق‌ه‌روبا ئی‌لاهی	.. بو لایقئ فـه‌رئ پادشاهی
روحا وی ب نوورئ حق موقه‌بیهس	قهلبئ ویه وادییا موقه‌دهس

(م، ۲۰۰۸: ۲۰۶)

جانان بدید و جان به جان گشت	جانی که ز جسم ما روان گشت
مقبول تقرب الاهی	شد لایق فـر پادشاهی
با نور خدا دلش عجین شد	وادی مقدس و امین شد

(م، ۲۰۱۲: ۲۵۷)

این بدین معناست که رفتار آدمی هر لحظه تحت تأثیر نیروهای مثبت و منفی است و به هر میزان که ارزش های انسانی در او تقویت شده باشد و ویژگی های انسان رشد یافته و کامل اسلامی بر او حاکم باشد و در جهت قرب الهی گام بردارد، به همان میزان نیز انگیزه ها و جاذبه های معنوی در او کارساز خواهد و به عکس، به هر اندازه که نیروها و ارزش های منفی بر وجود او حاکم باشد، رفتار او توسط انگیزه های پست شکل می گیرد.

۳،۲،۲ مسأله حس وظیفه شناسی:

مزلو بر این باور است که افراد مسأله مدار « نسبت به کارشان متعهد بودند . آنان سرشار از حس وظیفه شناسی شدیدی بودند که بیشتر نیرویشان را در راه آن صرف می کردند . این افراد با ایثار یا حس تعهد نسبت به کار می توانند فرایندها را به چنگ آورند یا متحقق سازند. داری رسالتی در زندگی هستند و وظیفه ای برای انجام دادن دارند و خارج از خودشان مسأله ای دارند که بسیاری از نیروی آنها را به خود اختصاص می دهد» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۴) و «حس وظیفه شناسی در نتیجه تقاضای اصل و هدفی است که آدمی انتخاب کرده و اگر ما میل داریم فداکاری کنیم تا آن حس وظیفه شناسی را به میزان عادی برقرار دهیم، بهتر است با میل و آزادی کامل فداکاری کنیم؛ چه اگر آدمی در کارها ترسو باشد و یا خودخواهی کند و یا از کمک به اشخاص نیازمند سرباز زند، خجالت زده خواهد بود» (هدفیلد، ۱۳۷۴: ۱۵۳) بنا براین اصل، خانی همه رنجه را برای حفظ سند حیات هویت، تاریخ و زبان کوردی به جان خرید و با درک و دریافت درست مقوله وظیفه شناسی، همه ظرفیت های جسمی و معنوی خویش را در این راه به کار گرفت. خانی در ارتباط با حس وظیفه شناسی خود نسبت به جامعه و مردمی که با آن ها سر و کار دارد همت بسیاری گماشت. چنانچه مزلو بر این باور است که کارهای افراد مسأله مدار معمولاً « غیر شخصی و غیر خودپسندانه هستند و در مجموع بیش تر به

خیر بشریت یا عموم یک ملت می شوند» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۴)، احمد خانی نیز علی رغم حس وظیفه شناسی خویش، درد آشنای زمانه خویش بود و قلمش را در این طریق و جانش را در این مسیر فرسود. وی که در موقعیت نامیدانه بعد از تجربه های پی در پی اجتماعی خویش از دوره عثمانی تا روزگار خویش است، تاریخ را تجربه ای تلخ و تیره می داند که در چاه ظلمت فرو می افتد. البته هنگامی که سرزمینی مورد تهاجم بیگانگان قرار می گیرد، وظیفه افراد آن ملت است، به گونه ای دفاع از حریم وطن خود به پا خیزند و این تکلیف برعهده تمام افراد آن ملت است، به گونه ای که وظیفه هیچ کس ساقط نمی شود. احمد خانی نیز به عنوان شاعر ماهر و چیره دست در ادبیات کوردی، به نوبه خود به انجام این تکلیف پرداخته و با سلاح شعر به مصادف دشمن آمده است و ادای بیان نموده است. حس درونی و انسان دوستی، ظلم و جور سلاطین عثمانی، بدبختی و مظلومی ملت کرد و اسیری و بیچارگی افراد این توده محروم، احمدخانی را ملزوم کرد که جوابگوی ندای وجدان خویش باشد که چنین اظهار بدارد:

قلبی مة نةکر قةبولی حيلة
 قةط بؤ غةرضی نةبوو وةسیلة (م)
 (۲۰۰۸: ۴۸)

قلبم چو نکر قبول حيلة
 از بهر هدف نشد وسیله (م، ۲۰۱۲: ۳۳)

در حقیقت از بین رفتن ارزش های انسانی یکی از مبانی مسأله محوری در اندیشه و شخصیت خانی است. احمد خانی شاعری ارزش گرا و آرمان جوست و در بخش های مختلفی از داستانش به این امور می پردازد. وی در جست و جوی گم شده هایی همچون عشق، ایمان، انسانیت و پاکی، وطن دوستی است. در سروده های دردمندان و آرزو جوینان وی، دلتنگی و حسرت هایی انعکاس می یابد که می تواند ریشه در ذهن و فکر انسان هر درمندی باشد. او در باورهای اعتقادی خود دلتنگ رسیدن به ارزش هایی است که اکنون از بین رفته اند و دچار دنیایی پرنیرنگ شده است. آرمان و آرزوهای خانی با تصویر سازی ژرفی که ساخته ذهن اوست در اعتراض به وضعیت موجود جامعه پیرامون شاعر و ترسیم دنیایی آرمانی ظهور می یابد. زیرا به باور وی افراد نژاد اصیلی هستند که صاحب معرفت اساسی و بنیادین هستند که خالی بودن میدان علم و عدم اشتغال به آموختن و کسادی بازار معرفت، وی را وادار به نوشتن کرده است:

ئەنواعی میلیلل خودان کتیین
 کورمانج تەنی دبی حسیین (م)
 (۲۰۰۸: ۴۶)

ملت ها همه صاحب کتابند
 کرمانج به گیتی بی حسابند (م)
 (۲۰۱۲: ۳۱)

از این جهت است که حس وظیفه شناسی وی در نتیجه تقاضای اصل و هدفی است؛ احمد خانی بر مبنای تعهد و بر اساس درک رسالت و مسولیت به تولید ادبی می پردازد و هیچ نظری هم به پاداش و تشویق های دنیوی ندارد بلکه وی با شمشیر قلم وارد عرصه دفاع از ارزشهای مقدس ملی شده است. وی با بهره گیری از ابزارهای ادبی و آفرینش کلام موثر به تعهد خود در این زمینه عمل کند و با اشعار خود روح حماسه و عرفان را در بطن اجتماع جاری می سازد:

- صافی شت‌مراند ظه‌خوار دوردی
ئینایه نیظ‌ام و
ئین‌تظ‌می
- ماننددی ده‌ری لیسانی کوردی
کیشایه جفا ذ بو وی عامی
(م، ۲۰۰۸: ۴۶)
- جامی بشکست و خورد دردی
آورد به نظم و انتظامش
- مانند دری زبان کردی
تا هدیه کند به خاص و عامش
(م، ۲۰۱۲: ۳۱)
- زیرا به این دلیل که؛
- دا خ‌لق نه‌بیدتن کو نه‌کراد
بی‌مه‌عرفتتن بی‌نه‌صل و بونیاد (م،
۲۰۰۸: ۴۶)
- تا خلق نگویدت که اکراد
بی معرفتند، بی اصل و بنیاد (م، ۲۰۱۲:
۳۱)

البته شایان عنایت است که جامعه‌ای که خانی در آن زندگی می‌کند در اثر رذایل اخلاقی و بدل شدن ارزش‌ها به ضد ارزش و رواج یافتن ضد ارزش‌ها، بی‌روح و ملال آور شده است. لذا شاعر این گونه از همه دلمردگی و بی‌طرواتی در رنج است و بر این باور است که؛

- ط‌قر عیلمی ته‌مام بدی ب‌ثولتک
بفروشی تو حکمته‌تی ب‌صؤلته‌ک (م،
۲۰۰۸: ۴۷)
- علم و ادب و کمال و آرا
یک پول سیاه نیرزد اینجا
(م، ۲۰۱۲: ۳۳)

احمد خانی بر حسب حس وظیفه شناسانه‌ای که بر خود متحمل کرده بود، سعی نمود با قلم خویش مردم را از خواب غفلت بیدار سازد. همانگونه که گلدمن در کتاب خود می‌نویسد: «هنرمند حقیقی، پیشتاز جامعه خود است و از این جهت روحیه عصیان و انقلابیگری کمابیش در منش و آفرینش او وجود دارد. این عصیان ممکن است از دو دیدگاه مختلف درک و وصف شود: ۱. عصیان هنری که جامعه را نمی‌پذیرد و ناچار به کشف پیکره‌های تازه بیان به قصد انکار آن جامعه دست می‌یازد و دیگری درون مایه عصیان است که مضمون، اندیشه اصلی و ساختار اثر را تشکیل می‌دهد». (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

۴،۲،۲. مسأله عشق محوری:

مسأله عشق در باور خانی، جایگاهی محوری دارد و یکی از ویژگی‌های بارزی است که در آثار خانی به روشنی دیده می‌شود، توجه به مقوله عشق و به تبع آن، عشق حقیقی است. در جهان بینی وی پیوند ناگسستنی‌ای میان عاشق و معشوق حقیقی وجود

دارد که در نهایت، منجر به نیک فرجامی خواهد شد. عشق از بارزترین محور فکری احمد خانی است و سایر جنبه‌های تفکر او نیز با همین رشته با یکدیگر پیوند دارند و در حقیقت پیام خانی، پیام عشق است، عشقی که از نظر او تمام انسانیت در آن خلاصه شده است و از نظرگاه خانی، کسی نیست که عشق بر او تأثیر نکرده باشد و همه آدمی به نوعی و به اندازه ای از آن بهره مند است:

کەس نینه ژ عیشقی بی ئەئەر بت
مومکین کو ژ دەوقی بی خەبەر بت
هەر کەس ب قیاسی هیممه‌تا خوه
دی صەرف بکەت ئیراده‌تا خوه
(م، ۲۰۰۸: ۲۴۳)

آنکس که ز عشق بی‌اثر بود
بی ذوق ز شادی بیخبر بود
هرکس به قیاس همت خویش
خود صرف کند ارادت خویش
(م، ۲۰۱۲: ۳۰۸)

بنیان جهان بینی خانی بر عشق استوار گردیده است، عشقی که از عالم بالا نشأت می‌گیرد و با حضور در این جهان به عشق حسی، عشقی برآمده از احساس زیبایی تغییر می‌یابد، اما این عشق که عشق به تمام مظاهر زیبایی است، پلیدی در آن راه ندارد و با نیکی عجیب است. این عشق فراگیر و عالم شمول است و تنها انسان کامل که مراتب ترقی و تکامل را پیموده است، می‌تواند درک کند. عاشق را در مرحله کمال عشق، حالتی دست دهد که از خود بیگانه و از زمان و مکان فارغ می‌شود. (گوهرین، ۱۳۶۷: ۱۱۸-۱۴۶). احمدخانی در اثر خویش، بین مم و معشوقش پیوند روحی برقرار می‌کند، از این جهت که مم در سلوک روحانی خویش به مرحله پختگی برسد و در نهایت به کمال و معرفت نائل گردد و این بزرگترین خاصیت عشق روحانی است که با او زاده شده و با آن به کمال می‌رسد و پس از مرگ هم به برکت آن به جاودانگی دست می‌یابد (شکری، ۲۰۱۸: ۲۶۶):

جیسمی مە ئەتەر دضیئە
روحي د مە دي بکن و یصالي (م)
ضالي
۱۹۶۲: ۱۵۵)
با حضرت عشق وصال داریم
گر جسم به گور می سپاریم (م، ۲۰۱۲: ۲۶۲)

خانی در هیچ جای اثرش -چه در برون متن و چه در درون متن داستان- از جاده ی عفاف و زبان پاک منحرف نشده است و در بارگاه بلند عشق، آثار خیانت و دورویی جایگاهی ندارد. او مهیج ترین صحنه های عاطفی را، با زبانی شیوا و واژه هایی پر از شرم و حیا، خلق کرده است. خانی عشق را بازیچه ندانسته و معتقد است که برای رسیدن به آن، تحمل سختی و مشقات و مبارزه با نفس و مسائل مهم و حاد زندگی لازم است. چنانچه عشق یکی از مهم ترین عواملی است که منشأ پیدایش تفسیر عرفانی از طرح داستان مم و زین گردیده است. مثنوی مم و زین به دلیل جدایی عاشق و معشوق و حاکمیت روح دردمندی، قابلیت‌های فراوانی را هم در تأویل پذیری متن و هم در اشارات مستقیم عرفانی داراست و در لابه لای زیرین و رویین داستان مم و زین، اشارات و قضاوت‌های عارفانه‌ی زیادی موج می‌زند. در واقع می‌توان گفت که عشق از موضوعهای اساسی عرفان اسلامی و رکن اساسی حیطة فکری احمد خانی است که بیشترین کاربرد را در شعر و اندیشه او داشته است به طوری که در کل منظومه مم و زین هیچ اصطلاح دیگری نمی-

توان یافت که هم‌وزن آن باشد. مضمون و درونمایه‌ی اصلی مثنوی مم و زین با عشق ارتباط دارد. خانی در عشق هدف اخلاقی را دنبال می‌کند، عشقی پاک در مراحل مختلف، عشقی که از مرحله‌ی حسی آغاز می‌شود و به مرتبه عرفانی می‌رسد اما در هیچ یک از مراتب مساوی هوس و نفس پرستی نیست. با این اوصاف می‌توان گفت که این همه وفا و مهرورزی و ایثار و سوز و گداز عشق، که در مثنوی مم و زین موج می‌زند همه ساخته و پرداخته ذهن فعال احمد خانی است و می‌توان گفت این شعر نه تنها حماسه پرداز است، بلکه شاعر غناسرای چیره دست نیز هست.

۵,۲,۲ مسأله اخلاق محوری:

به اعتقاد مزلو «افراد خودشکوفاً غالباً تحت تأثیر یک حس قوی از اصول اخلاقی و مسئولیت شخصی قرار دارند. آن‌ها از حل مسائل و مشکلات دنیای واقعی لذت می‌برند و غالباً درگیر کمک به دیگران برای بهبود زندگی‌شان هستند. چنین افرادی معمولاً در وسیع‌ترین چارچوب داوری ممکن زندگی کرده و در درون چارچوبی از ارزش‌ها کار می‌کنند که کلی است نه جزئی، جهانی است، نه محلی و با قرون سر و کار دارد، نه با لحظه‌ها» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۲۴) و بیشتر «به مسائل بیرون از خود توجه دارند» (پارسا، ۱۳۷۸: ۴۷۶). نیت اصلی و غایی خانی، ابراز چارچوبی از ارزش‌هاست که کلی است نه جزئی، جهانی است، نه محلی و با نسل‌های بعد از خویش هم مورد پسند است. وی در دیوان خویش، مخاطبان خود را به اندیشه در بنیاد عشق در این جهان فراخوانده و با طرح بیان این منظومه، ذهن خفته آن‌ها را به چالش کشیده است. امور اخلاقی و گزاره‌های مطرح شده در این اثر، طیف گسترده‌ای را می‌گیرد که هم شامل اخلاقیات کلی و عمومی که در مورد تک‌تک افراد بشر در هر زمان و هر مکان و هر شرایطی صدق می‌کند و هم شامل اخلاقیات طبقات و اصناف گوناگون می‌شود. در حقیقت خانی به انسان در همه دوران‌ها پیام می‌دهد که اخلاق، بر هر چیزی مقدم است و قوام هر تمدنی، به تدوام اخلاق آن است و در این میان، قدرت بیش از هر چیز می‌تواند در زوال اخلاقی مؤثر باشد. احمد خانی پایبند به ارزش‌های دینی و اخلاقی و مدافع فرهنگ کوردی بوده است. مثنوی او، تنها روایت عاشقانه نیست بلکه گنجینه‌ای بس گرانبها از اندرز و رهنمود اخلاقی و حکمت ناب زندگانی در تالارها و غرقه‌های شکوهمند آن نگاهداری شده است که خواننده و پژوهنده را در کنار پرداختن به روایت اصلی به خود فرامی‌خواند و با زبانی پدرا نه و مهرورزانه، درس‌هایی والا در راستای آزادگی، میهن دوستی، یکپارچگی بدو می‌آموزد. مثنوی مم و زین اگر چه در نگاه نخست منظومه‌ای عاشقانه به شمار می‌رود، بر خلاف انتظار، گنجینه‌هایی بی‌همتا و آکنده از آموزه‌های اخلاقی و شایسته و ناشایسته هستند و همچون آینه‌ای صاف و درخشان، واقعیات، اوضاع و احوال و فرهنگ زمانه خویش را بازتاب می‌دهند. امور اخلاقی و گزاره‌های مطرح شده در این اثر، طیف گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که هم شامل اخلاقیات کلی و عمومی که در تک‌تک افراد بشر در هر زمان و هر مکان و هر شرایطی صدق می‌کند و هم شامل اخلاقیات طبقات و اصناف گوناگون اجتماع می‌شود. خانی به صورت کاملاً آشکار و ساده‌ای نکات اخلاقی را بیان می‌کند که در سعادت و رفاه کلان جامعه مؤثر است و آن عدالت‌خواهی و درستکاری است. در واقع درونمایه این داستان تا اندازه‌ای پیرامون مسایل اخلاقی است. مطالبی را که از نظر اخلاقی در این داستان، بر آن‌ها تأکید شده است، از مباحث عمیق دینی و اجتماعی برای حیات بشری است که ناشی از نحوه نگاه نویسنده و روش شاعر در پردازش موضوع است. مباحثی چون؛ صبر، عشق، فنا، وفاداری و شجاعت، گذشت، پرهیز از گناه، قصاص، عدم اعتماد به ستمکاران و غیره که از دستورالعمل‌های دینی و اجتماعی

است، در قالب داستان بهتر به مخاطب منتقل می‌شود. جهت فکری خانی «ایده اولیه» و محور اصلی حوادث داستان مم و زین را باید در به تصویر درآوردن؛ عشقی پاک و توأم با عفاف و آکنده از نامرادی که سرانجام با مرگ پایان می‌پذیرد، دانست.

۶،۲،۲ مسأله جامعه شناختی:

بنا به باور مزلو جامعه «رشد و انسان بودن» را در انسان «خلق یا ابداع» نمی‌کند؛ بلکه منشأ و مرکز اصلی آن، در «درون فرد» است و جامعه نقش تقویت کننده یا «مانع» آن را بر عهده دارد (مزلو، ۱۹۶۸: ۲۱۱) و از دیدگاه جامعه شناختی عوامل گوناگون در ایجاد و تداوم، وحدت و انسجام اجتماعی در جامعه نقش دارند که احمد خانی به نحو بسیار هنرمندانه آن‌ها را بازسازی و به نسل‌های بعد منتقل می‌کند. چراکه آنچه در مثنوی مم و زین قابل تأمل است؛ حاکمیت روح جمعی و اهتمام و ارزش گذاری بر حرکت‌های جمعی بوده است. زیرا شاعر از خود سخن نمی‌گوید بلکه خود را در برابر توده عظیم مردم، مسئول می‌داند و روح همدردی و هم‌یاری بر اشعار او حاکم است. از اینرو وی به نیروی نهفته در ملت مظلوم کورد، واقف است. و بر این باور است که اگر ملتی این نیروی بالقوه را به فعلیت درآورد، شایسته اکرام است اما ملتی که تحت ستم و ذلت به سر می‌برد، از دید خانی شایسته تکریم نیست.

طردی َهَبوویا مة ئادشاهةك تةعین ببویا ذ بؤ مة تةختةك حاصل ببویا ذ بؤ وي تاجةك غمخواری دكر ل مة یةتیمان غالب نةدبوو ل ستر مة ئةظ روم مەحكومی عقلیبة و صةعالیک	لایق بدیبا خودی كو لاهةك حاصل ببویا ذ بؤ مة بةختةك ئەلبەتتە دبوو مەذی رقو اجةك تینانە دەری َ ذ دەست لة ئیمان نەدبوو نة خرابەیی د دەست بوم مەغلووب و موتیعی تورك و تاجیک (م، ۲۰۰۸: ۴۳)
---	---

شاهنشاهی بود اگر ما را تعیین می شد برای او تخت غمخواری می کرد با یتیمان غالب نمی گشت به جنگ ما روم محکوم علیه شدیم و تاریک	ور سایه ای بود به سر ما را پیدا بشدی دگر مرا بخت ما را می رهند از لئیمان لانه نمی کرد به خانه ها بوم مغلوب و مطیع ترک و تاجیک (م، ۲۰۱۲: ۲۸)
--	--

از اینرو، به گواه آنچه در مقاله به آن پرداخته شد، احمد خانی شرح مبارزات خویش را در جان واژه‌ها ریخته و آن را ادیبانه بیان کرده است. خانی با توسل به فرهنگ و سابقه تاریخی و با بهره‌گیری از تمام دستاوردهای اجتماعی، راه وفاق عمومی و یگانگی اجتماعی را هنرمندانه و خردگرایانه، به سهم خود هموار می‌سازد و از آنجایی که فرهنگ بدون جامعه مفهومی ندارد و نیز فرهنگ خود شامل آداب، رسوم، آیین، اخلاق، سنن، ارزشها و ... است؛ بنابراین بازتاب آیین و رسوم و آداب‌ها در مثنوی مم و زین نگاهی جامعه‌شناسانه می‌طلبد که نوع این آداب، سنن و آیین‌ها و نیز انگیزه‌های اتحاد و یگانگی ملت کورد در مثنوی مم و زین، ریشه

در ساختار اجتماعی ملت کورد و عصر خانی دارد که مطالعه این موارد در چارچوب جامعه شناسی ادبیات جای می گیرد و به وسیله آن قابل تبیین است.

بنا به باور مزلو این اشخاص « گرایش به مشکلاتی دارند که ورای نیازهای آنان قرار دارد، مشکلاتی که به واسطه آن حس رسالت آنان در زندگی آشکار میشود » (مزلو، ۱۳۷۲: ۵۰۲) انسجام جامعه به دور از تعصبات دینی و اعتقادی مسأله مهمی بود که خانی به شایستگی بدان پاسخ داده است. خانی همواره به دنبال یک وفاق اجتماعی به دور از تعصبات قومی است. وی به عنوان یک روشنفکر عرصه تربیتی و یک جامعه شناس و آسیب شناس اجتماعی به درستی دریافته است که زوال یک جامعه با نادانی و جهل آغاز می شود. بنابراین مثل یک تماشاگر نمی تواند شاهد زوال جامعه خود باشد پس با نگارش و ظرافت بیانی که داشته از آفات جهالت گفته و مخاطبان خود را به فرهیختگی می خواند و با صراحت، اوضاع جامعه و ظلم و ستم زمامداران عصر خود را با توصیف تنگدستی و تیره روزی خویش، آینه داری کرده است:

یا هتر وهه دی له ئیستیوا بت	نایا بویه قابلی زقوالی
قه مومکینه ئهظ ذ ضهرخي لقولتب (م)	حهتتا وککو دهوری ئینتیهایت
(۲۰۱۲: ۴۲)	
طالع بشود مرا ستاره؟	آیا شود این به چرخ چاره
یک بار شود ز خواب بیدار (م، ۲۰۱۲):	بخت من و تو شود به ما یار
(۲۸)	

مثنوی مم و زین اگر چه به ظاهر اجتماعی نیست اما در ژرفای ساخت خود اجتماعی است و با فضای اجتماعی خلق اثر رابطه تنگاتنگ دارد. خانی تحت تأثیر شرایط اجتماعی زمان خود قرار دارد. شرایط اجتماعی دوران خانی، با نا آرامی ها و تنشهای بسیار همراه بود است. خانی برای حفظ وحدانیت جامعه در مقابل تضادها به انسجام و ثبات جامعه اهمیت می دهد و عوامل اجماع را مطرح می کند. فضای اجتماعی زندگی خانی، دوره جنبش های استقلال طلبانه است. خانی ضرورت انسجام و وحدت ملت کورد را به خوبی درک می کند و چنین یادآور می شود:

ظیکرا بکرا مه ئینقیادک	طهر دی هه بوا مه ئیتیحادک
ههمیان ذ مورا دکر غولامی (م)	روم و عقرتب و عهجه تممامی
(۲۰۰۸: ۴۵)	
ما را همه بود انقیادی	گر بود ما را خود اتحادی
می کرد به ما غلامی (م)	روم و عرب و عجم تمامی
(۲۰۱۲: ۳۰)	

البته شایان عنایت است که دستاوردهای فولکلوریک و مردمی، نقش مهمی در توجیه فکر انسانی دارد و آن به خاطر ارتباطی است که تاریخ و محیط میراث دارد. مثنوی مم و زین، در ضمن متون روایی خود، بسیاری از دستاوردهای مردمی را آورده است که بیانگر روح اجتماعی سرشار از حوادث است. کاربرد میراث در ادبیات، یعنی حضور دوره ای معین از تاریخ. یا این که قصه ها، حکایت، و قصائد و مثل های مردمی الهام می گیرد. سپس برای بازگشت شکل، صیاغ و تبدیل میراث به قصه ها، نمایشنامه ها و سروده ها تلاش می کند و در آخر رنگی مناسب روح عصر بر آن می پوشاند. احمد خانی با نوشتن مثنوی «مم و زین» اسطوره های رو به خاموشی در خلیه خاطره ها را جان تازه بخشید و این اصل اصیل را که ملت کورد دارای سابقه دیرین فرهنگ و ادب و فولکلور هستند بر جهانیان تحقّق بخشید. در ادامه سخنانش به این نکته اشاره می کند که ملت کورد؛ ملتی جاهل و نادان نیست؛

فیلمجولمة نة جاهیل و نةزانن بقلکی د سةفیل و بی خودانن (م، ۲۰۰۸: ۴۶)

بالجملة نه جاهل و نادان گشتند ز بی کسی پریشان (م، ۲۰۱۲: ۳۱)

که این امر باعث شده است تا احمد خانی با حسرت چنین ارزو کند که؛

رابت ذمة ذي جيهان ثةناهةك ثقيدا ببتن مة ئادشاهةك

شیری هونترامة بیته دانین قةدری قةلما مة بیته زانین (م،

۲۰۱۲: ۴۲)

پیدا بشود جهان پناهی بر ما بکند او پادشاهی

باغی ز هنر به گل نشاند قدر قلم مرا بداند (م، ۲۰۰۸:

۲۸)

به این اعتبار، خانی همچو انسانهای مسأله محور در تلاش بوده است تا قاعده های نامبارک بر جامعه را بر هم زند و ایجاد خودآگاهی در میان مردم، طرحی نو دراندازد.

۷,۲,۲ مسأله حفاظت از زبان:

افراد خودشکوفای «گروهی هستند که قادرند سریع تر و صحیح تر از دیگران واقعیت های پنهانی یا مغشوش را در هنر و موسیقی، امور عقلی، موضوعات علمی و امور اجتماعی و سیاسی ببینند و خود را دارای مأموریت یا رسالتی می دانند که بیشتر انرژی خود را صرف آن می کنند. احساس تعهد و یا وقف کردن خود به کار یا حرفه یا هنری خاص دارند. که از نظر مازلو این مورد از الزامات خود شکوفایی است.» (مزلو، ۱۳۷۲: ۲۱۶) مسئله سلطه زبان واحد و تهدید زبان های قومی و محلی از جمله پی آمدهای جهانی شدن در این چشم انداز است. به نظر متفکرانی چون تاملینسون^(۹)، باید «وجود یک مقاومت محلی ساز دیالکتیکی را در مقابل عنصر جهانی ساز سرمایه داری به رسمیت بشناسیم» (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۲۵). احمد خانی با درک اهمیت زبان در حفظ انسجام فرهنگی، قصد داشته است که این گنج پرهای فرهنگ کردی را زنده تر گرداند و بر آن است تا زبان کردی را دوشادوش دیگر زبانهای

عالم به حرکت درآورد. بدین صورت خانی از طریق امکانات زبانی، سعی در ایجاد فضای مقاومت دارد که در حقیقت این حس غیرت ملی نسبت به عنصر زبان یکی از نوآوریهای سیاسی وی هم به حساب می آید:

دا خَلَقَ نَهْبِيذَتَن كَو نَهْكَرَاد بِي مَهْ عَرِيْفَتَن بِي نَهْصَل وَ بُونِيَاد (م)

(۲۰۰۸: ۴۶)

تا خلق نگويدت كه اكراد بي معرفتند، بي اصل و بنياد (م، ۲۰۱۲:

(۳۱)

البته افراد مسأله محور، کردارشان را بخشی از هویت خود می دانند. در نتیجه برای استواری ساختار هویتی شان از هیچ کاری فروگذار نمی کنند و « کارهای شان مستقل از پاداش بیرونی است که آن ها دریافت می کنند.» (ال پتری، ۱۳۸۲: ۹۸) خانی به عنوان فردی مسأله محور؛ مسأله حفظ از عظمت و فصاحت زبان کوردی بخشی از هویت خود دانسته است زیرا زبان، مهم ترین ابزار ارتباطی و از عناصر مشترک هویتی است که می تواند تا حد زیادی انتقال دیدگاه ها، ارزشها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و در توالی نسل ها به عهده بگیرد. چراکه «بدون ادبیات بشر نمی توانست نشان بدهد که ممیز است. ادبیات موجب تفاهم و همبستگی بین افراد است. نزد عامه، ادبیات عامیانه و در طبقه با سواد، ادب تکامل یافته موجب برقراری پیوند معنوی شده است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۰: ۲۰) به همین جهت، احمد خانی از بین رفتن و تهدید زبان به معنای از بین رفتن هویت فرهنگی و ملی قلمداد می کند و از اینرو؛ برای استواری ساختار هویتی خویش از هیچ کاری فروگذار نمی کند و کارهایش مستقل از پاداش بیرونی است بلکه تنها بر اساس این هدف است که با تحریک حس غیرت ملی نسبت به عنصر زبان، روحیه اتحاد را به نوعی تقویت کند تا از این جهت توانسته باشد که زبان کوردی را همطراز زبان عربی و فارسی در سطح جهان گسترش دهد:

كورمانجییه نَهْظ قَهْدَر ل كَارَه

نوباره ب من قهوي شیرینه (م)

(۲۰۰۸: ۵۴)

کرمانجی و این قدر بکارست

او بر دل من بسی شیرین است (م)

(۲۰۱۲: ۳۸)

نَهْظ مِيوَه نَهْطَهْر نَه نَاهْظَارَه

نَهْظ طَيْفَلَه نَهْطَهْر نَه نَاهْزَنِيْنَه

این میوه اگر نه آبدار است

این طفل اگر نه نازنین است

در واقع مثنوی مم و زین پرمایه ترین و مهم ترین سند عظمت و فصاحت زبان کوردی است. ابهت مثنوی مم و زین بیشتر بر اثر زبان شکوهمند این اثر است؛ کلمات با قابلیت ذاتی ای که دارند، در حاشیه خود فضاهای موسیقایی، عاطفی، تصویری و فرهنگی ایجاد می کنند. در هر صورت از دیدگاه زبانی ارزش و اهمیت مثنوی مم و زین کمتر از جنبه های دیگر آن نیست و پایداری و پویایی و برومند و توانگر شدن زبان کوردی، پیش از هر اثر دیگری بر پشتوانه و گنجیه عظیمی همچون منظومه مم و زین تکیه دارد و از آن آب می خورد.

۸,۲,۲ مسأله آزادمنشی و آزادی خواهی:

به نظر مازلو «افراد خودشکوکا در همه جنبه های زندگی، به شیوه ای بی تعصب و مستقیم بدون تظاهر رفتار می کنند. ناگزیر از پنهان ساختن عواطف یا احساس های خود نیستند، می توانند صادقانه آن ها را نشان دهند» (شولتس، ۱۳۸۴: ۲۲۳) از آنجایی که خانی پای بند به ارزش های دینی و اخلاقی و مدافع فرهنگ کوردی بوده است، وی در دینداری نیز آزادی دارد و دیگران را در باورهای خویش آزاد می داند. از بی حرمتی و تحقیر ادیان و مذاهب پرهیز می کند. دین را بیشتر از جنبه فطری تبلیغ می کند و همگان را به هدف نهایی دین، که کمال انسانی است، فرا می خواند. زیرا «افراد خودشکوکا چارچوب داوری خود را به فراتر از خویش گسترش می دهند» (فیست و فیست، ۱۳۹۱: ۶۰۵). و بیشتر «به مسائل بیرون از خود توجه دارند» (پارسا، ۱۳۷۸: ۴۷۶) یکی از مهم ترین دغدغه های احمد خانی، نجات و رهایی ملت کورد از چنگال استعمارگران است. این رفتار احمد خانی نشان می دهد که منظومه فکری او از ساختار منشی مردم گرا برخوردار است. مؤلفه ای که در شمار ویژگی های اشخاص خودشکوکا به چشم می خورد و پیوند تنگاتنگی با مسأله مدار این افراد دارد. چنانچه در ابیات زیر می توان چنین رویکردی را مشاهده کرد.

ظیکرا بکرا مة ئینقیادەك	طهر دي هەبووا مە ئیتیحادەك
هەمیان ذ مەرا دكر غولامی	روم و عەرقب و عەجەم تەمامی
(م)	
۲۰۰۸: ۴۵	
ما را همه بود انقیادی	گر بود ما را خود اتحادی
می کرد به ما غلامی	روم و عرب و عجم تمامی
(م)	
۲۰۱۲: ۳۰	

در واقع وی به عنوان شاعری از نسل جنگ به خوبی مسئله یوغ استبداد و ظلم و ستم را در شعر خویش بیان کرده است. بنابراین مبارزه و فداکاری در راه آزادی، بخشی از وجود او می شود. از این رو، در شعر خود فریاد مبارزه با ظلم و دعوت به مبارزه سر می دهد و این کار را به هدف تشویق و تهییج مردم علیه ظلم و ستم عثمانی انجام می دهد. به همین سبب است که با حیرت سخن از عدم اتحاد و یکپارچگی بین ملت کورد برای رسیدن به راه آزادی سخن به میان می آورد.

۹,۲,۲ مسأله واقع بینی و واقع سرایی:

مثنوی مم و زین، بهترین جلوه گاه واقع نگری های احمد خانی است که هیچ گاه جانب واقعیت را رها نمی کند و سعی می کند عملی ترین راهها را برای حل مشکلات و نیازهای اساسی ملت کورد ارائه دهد. اندیشه خانی کاملاً واقع بینانه است و وضعیت مطلوبی را که به آن سفارش می کند، کاملاً دست یافتنی و قابل دسترس است. شیوه انتقال خانی از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در ابتدا مسالمت آمیز است و اصلاحات را با آرامش مطرح می کند و از حکام می خواهد بر طبق اصول مطرح رفتار بکنند ولی در ادامه رادیکال می شود، یعنی در مقابل حکومت ظالم و فاسد اصلاح ناپذیر خانی توصیه به قیام می کند و توجه سران حکومتی، دولتمردان و ثروتمندان به مادیات و طمع در مال اندوزی را یکی از لغزش ها و تهدیدات از منظر وجدانی بیدار برمی شمارد:

خاسمی دظی عتسریدا کو هتمیان
 یهعنی ذطه مه ع دراظ و دینار
 مة عشوق و حةببیه بومه هتمیان
 هتریقک ذ مةرا وة بوونه دلدار (م)
 (۲۰۰۸: ۴۷)

خاصه که به این زمان و دوران
 یعنی ز طمع فلوس و دینار
 معشوق و حبیب گشته همیان
 هر یک شده ما را همچو دلدار (م، ۲۰۱۲: ۳۲)

همانگونه که به گفته هیپولیت؛ چنین جامعه‌ای که کلیه ارزش‌ها با کمیت و پول دست‌یافتنی است، جستجو برای فضیلت، افتخار و شهرت تلاشی حقیر و بی‌ارزش است. در جامعه‌ای که ملاکش طلاست، روح نسبت به خود غریبه می‌شود و هر چیزی در واقع عکس آن است که می‌نماید (هیپولیت، ۱۳۷۱: ۱۶۱) چراکه چنین جامعه‌ای در حال زوال است و فرهنگ در آن جایگاهی ندارد و این حالت‌ها نشانه آن است که جامعه جوهریت خود را از دست داده است. در این نوع جوامع، افراد خاصی وجود دارند که با خودشناسی و گرایش به ارزش‌های والای انسانی، در جستجوی آزادی درونی و رهایی از خویش‌تن‌اند که خانی از جمله ی آنهاست. به باور خانی حکومتی درست اداره می‌شود که مدیران و زمامداران آن اهل معرفت و بصیرت و علم و دانش لازم باشند، در غیر این صورت موجب گمراهی و گم‌گشتگی می‌شوند. که از این واقعیت پرده پوشی می‌کند و به صراحت چنین ابراز بیان می‌کند:

کورمانج نه تر دبی کمالن
 فیلجومله نه جاهیل و نقرانن
 ئەما د یهتیم و بی مەجالن
 بقلکی د سەفیل و بی خودانن (م)
 (۲۰۰۸: ۴۶)

کرمانج نه فارغ از کمالند
 بالجمله نه جاهل و نادان
 لیکن چو یتیم بی مجالند
 گشتند ز بی کسی پریشان (م، ۲۰۱۲: ۳۱)

البته از آنجایی که ادبیات در ماندگاری ارزش‌ها و اندیشه، سهمی بزرگ و انکارناپذیر دارد و ویژگی‌های ادبی و فرهنگی و زبانی همه ملل جهان را با وجود اختلاف ظاهری و زبانی معرفی می‌کند، از اینرو، احمدخانی، دلگرفتگی‌ها و آزرده‌گی‌های ناشی از محیط و زمان فعلی را در لابه‌لای مثنوی مم و زین می‌گنجاند. وی سعی دارد برای التیام زخم درون جامعه‌اش اشعاری بسراید تا مردم خفته و غفلت زده خویش را بیدار سازد. یکی از واقعیت‌های که از نظر خانی پنهان مانده است و بدان توجه داشته است؛ وجود جو خفقان و اختناق شدید بر مردمان عصرش و هم چنین ظلم و ستم بیگانگان بر ملت ستمدیده ملت کرد می‌باشد و تا حد از بین رفتن سرزمین اجدادی و باعث متلاشی شدن آن می‌شود:

ئەظ قولزومی روم و بةحری تاجیک
 کورمانج دین ب خون موله ططه خ
 هندی کو بکن خروج و تەحریک
 وان ذ یك طة دکن میثالی بقرزەخ
 (م، ۲۰۰۸: ۴۴)

بین عرب و زمین گرجی
 این روم و عجم به آن حصارند
 کرمانج شده شبیه برجی
 کرمانج همه به چار کنارند
 (م)
 (۲۹:۲۰۱۲)

با این وجود هدف نهایی مثنوی مم و زین، نه فقط حظ هنری، بلکه ایجاد انگیزه برای شکست دادن دولت های اشغالگر بوده که وجودشان تهدیدی برای امنیت، آزادی است. در این راستاست که احمد خانی، نیازمند افشاگری و تلاش در جهت آگاهی بخشی است. از این روی به افشای پلیدی و نقش مخرب دشمن و مدعیان می پردازد؛ چهره ای منفور از دشمنان نشان می دهد و هرگونه ترس، تهدید، اضطراب و انفعال را نکوهش می کند

خانی نیز همچون انسان آزادی خواه و وطن دوست همواره در مقابل دشمن و زورگویی پایداری نموده است و این امر طبیعی است، چرا که انسان به گونه ای آفریده شده که هرگز ظلم و ستم را بر نمی تابد.

نُظ قوازومی روم و بهحری تاجیک
 کرمانج دبن ب خون موله ططه خ
 هندی کو بکن خروج و تحریک
 وان ذیک طه دکن میثالی بهرزه خ
 (م)
 (۴۴:۲۰۰۸)

این قلمزم روم و بحر تاجیک
 کرمانج شود به خون شناور
 از بس که کنند خروج و تحریک
 چون سرخ گلان باغ پر پر
 (م)
 (۲۹:۲۰۱۲)

از اینرو، جانمایه اثر مم و زین، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی است. احمد خانی از اینکه همه حاکمان و سیاستمداران بواسطه مردم بدان درجه رسیده اند، چنین ابراز بیان دارد:

نُظ ضنند مدانان وان سیاست
 هر چند ما بدادیم بدانان سیاست
 حقتا وهکو بوون خودان ریاست
 تا که شدند صاحب ریاست (م)، ۲۰۰۸:
 (۲۳۷)

هر چند اصلاحات خانی بیشتر راجع به حاکم است و اصلاح وی را موجب اصلاح مردم می داند ولی، در عین حال وی از اصلاح مردم غافل نیست و در بسیاری موارد نوک خطابات اصلی خود را به سمت مردم می گیرد:

طهر دی هتبووا مه ئیتیحاده تک
 روم و عترت و عجه تمی
 تکمیل دکر مه دین و دوله ت
 تمیز دبوون ذه نظ مه قالات
 ظیکرا بکرا مه ئینقیاده تک
 همیان ذمقرا دکر غولامی
 تحسیل دکر مه عیلم و حکمه ت
 مومتاز دبوون خودان که مالات
 (م)
 (۴۵:۲۰۰۸)

آزادی وطن و اعتراض خویش نسبت به شرایط موجود ایفا می نماید که نقش را به بهانه سرودن مثنوی مم و زین ابراز می دارد تا فضای یک جامعه را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار دهد و والاترین برکات را برای آن، به همراه داشته باشد

شعرها غمیی دل بکم فسانه زینیی و مغمیی ذ نو ظهذینم (م، ۲۰۰۸: ۵۲)

شرح غم دل کنم فسانه زین و مم خود کنم بهانه (م، ۲۰۱۲: ۳۷)

«حماسه مم و زین» تأکیدی بر عدم رسیدن به آرمان‌های یک ملت است که نگاه تاریخی احمد خانی را برای ما روشن می‌سازد. وی سعی دارد که ریشه این لغزشها و تهدیدات را که به هر دلیلی دامنگیر ملت کرد شده است، جويا شود و آنها را بشناساند و در این راستا این غم و اندوه اش را به بهانه سرودن مثنوی مم و زین ابراز بدارد که در واقع خانی توانسته است که مسأله واقع سرایی و واقع بینی در باور خانی، جایگاهی محوری داشته باشد و یکی از ویژگی های بارزی باشد که در آثار خانی به روشنی دیده شود، مثنوی مم و زین از آغاز ایجاد خود تا به امروز، با فرهنگ، بینش و زبان خاص خود به پایداری ملت کرد در برابر حوادث کمک کرده است، که بیانگر این واقعیت است که تا چه اندازه احمدخانی حقیقت طلب و دادمحور است.

۱۰،۲،۲ مسأله حفظ هویت ملی:

وجود وفاق ملی و همبستگی اجتماعی برای تداوم حیات جامعه امری ضروری است. مزلو بر این باور بود « که انسان ها برای خودشکوفایی، یک نیاز هشیار دارند و می خواهند به کسی تبدیل شوند که می توانند باشند. چون انسان ها منحصر به فرد هستند، از این رو باید مسیرهای منحصر به فردی را نیز، برای خودشکوفایی جستجو کنند» (راتوس، ۱۳۸۸: ۶۳۱) خانی خواسته های خود را فدای هدفی می کند تا جامعه و افراد آن به بالندگی و کمال دست یابند. او رفع دغدغه های اجتماعی را پیش از حل مسائل شخصی در اولویت قرار می دهد. خانی به منزله شاعری وطن خواه و روشن بین، ملت کرد را به آسیب های تفرقه هشدار داده است. او همواره سعی می کند که ملت کرد را به اتحاد در برابر دشمنان فرا خواند و مردم را دعوت به همبستگی نماید. تا آنجا که رمز موفقیت یک امت را تنها در اتحاد آنها برمی شمارد.

ظیکرا بکرا مة ئینقیادەك
هەمیان ذ مەرا دكر غولامی

تەحسێل دكر مە عیلم و حیکمەت
مومتاز دبوون خودان كەمالات

(م، ۲۰۰۸: ۴۵)

ما را همه بود انقیادی
میکرد به ما خود اقتدایی
ممتاز می شد دگر کمالات

تحصیل میگشت علم و حکمت (م، ۲۰۰۸: ۳۰)

طەر دێ هەبووا مە ئیتحادەك
رووم و عەرەب و عەجەم

تەمامی
تەكمیل دكر مە دین و دەوڵەت
تەمبیز دبوون ذ هەژمەقالات

گر بود ما را خود اتحادی
روم و عرب و عجم سه تایی
تمییز می شد ز هم مقالات
کامل می شدیم بدین و دولت

و بر این باور است که در نتیجه اتحاد و همبستگی؛

غالب نةدقبوول ستر مة ئةظ روم	نةدبوونة خرابةيي دةست بوم
مةحكومي عليلية و صةعاليك	مةغلوب و موتيعي تورك و تاجيك (م)،
	(۲۸:۲۰۰۸)
غالب نمي گشت به جنگ ما روم	لانه نمي كرد به خانه ها بوم
مكـوم عليه شديم و تاريخ	مغلوب و مطيع ترك و تاجيك (م)، ۲۰۱۲:
	(۲۸)

البته سرخوردگی های اجتماعی و شکست های سیاسی نیز از مهم ترین عواملی هستند که از هر گوشه و کنار شعله دوگانگی و نفاق و همچنین فتنه و فساد را در میان ملت کورد ایجاد می کرد. از اینرو، خانی با نگاه مسأله مدارانه تنها در مسائل اجتماعی، بلکه نسبت به امور سیاسی نیز از درکی درست و منطقی برخوردار بوده است. که بر اتحاد و یکپارچگی ملت کرد بسیار تاکید می کند و عواقب عدم انفاق و یکپارچگی آن را همانگونه که بدان اشاره شد به مردم گوشزد می کند که غفلت مردم در این امر در نهایت؛ باعث عقب افتادگی و هلاکت و فلاکت آنان را به دنبال داشته باشد.

در مجموع محورهای مسأله مداری در جهان بینی و منظومه فکری خانی به کار رفته در حماسه مم و زین را می توان به صورت نمودار اینگونه در معرض دید قرار داد:

نموداری از تحلیل مسأله مداری در جهان بینی و منظومه فکری خانی بر پایه نظریه مزلو

تحلیل مسأله مداری در جهان بینی و منظومه فکری خانی	محورهای مسأله مداری
فرهنگ، ارزش ها، باورها، هنجارها، آیین ها، دانش ها که در بین مردم کردستان رواج داشته که احمد خانی از بیان آنها غافل نبوده، همچنین توصیف عید باستانی نوروز در مثنوی مم و زین از توانایی و قابلیت لازم برای انطباق دادن خود با جهانی شدن برخوردار است	مسأله حفظ هویت فرهنگی
پرورش انسانی(ممی) است که در طی حیات خویش، سیر تکاملی رشد روحی، روانی و عاطفی را به سلامت طی کند و بتواند به مراتب و درجات کمال دست یابد.	مسأله انسان آرمانی
در راستای حفظ سندحیات هویت، تاریخ؛ فرهنگ و زبان کوردی با درک و	مسأله حس وظیفه

شناسی	دریافت درست مقوله وظیفه شناسی، همه ظرفیت های جسمی و معنوی خویش را در این راه به کار گرفت.
مسأله عشق محوری	بنیان جهان بینی خانی بر عشق استوار گردیده، عشقی که از عالم بالا نشأت می گیرد که فراگیر و عالم شمول است و تنها انسان کامل که مراتب تکامل را پیموده است، می تواند درک کند.
مسأله اخلاق محوری	پایبند بودن به ارزش های دینی و اخلاقی و مدافع فرهنگ کوردی، مباحثی چون؛ صبر، عشق، فنا، وفاداری و شجاعت، گذشت، پرهیز از گناه، قصاص، عدم اعتماد به ستمکاران و غیره که از دستورالعمل های اخلاقی است، در قالب داستان به مخاطب منتقل می شود
مسأله جامعه شناسی	حاکمیت روح جمعی و اهتمام و ارزش گذاری بر حرکت های جمعی، حفظ وحدانیت جامعه در مقابل تضادها به انسجام و ثبات جامعه اهمیت می دهد و فضای اجتماعی زندگی خانی، دوره جنبش های استقلال طلبانه است.
مسأله حفاظت از زبان	اهمیت زبان در حفظ انسجام فرهنگی و ایجاد فضای مقاومت
مسأله آزادمندی و آزادی خواهی	نجات و رهایی ملت کورد از چنگال استعمارگران و مبارزه و فداکاری در راه آزادی
مسأله واقع بینی و واقع سرایی	توجه سران حکومتی به مادیات و طمع در مال اندوزی، وجود جو خفقان و اختناق و ظلم و ستم بیگانگان بر ملت ستمدیده ملت کرد، ستیز با بیداد داخلی یا تجاوز خارجی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضد آزادی
مسأله حفظ هویت ملی	دعوت به همبستگی، وجود وفاق ملی و همبستگی اجتماعی

نتایج و یافته های تحقیق:

نتایج حاصل آمده از این پژوهش بیانگر آن است که خانی در زمره خودشکوفاترین و واقع گراترین شخصیت هایی قرار دارد که در گستره بی کران ادبیات کوردی ظهور کرده است. زیرا؛

- (۱) خانی، شاعر، ادیب و سیاستمداری است که مسأله محوری را در شعرش با زیباترین و بدیع ترین تصویرها و واژگان، ترسیم کرده است و خواسته های خود را فدای هدفی بزرگ تر می کند تا جامعه و افراد آن به بالندگی و کمال دست یابند. برای خانی رفع دغدغه های اجتماعی پیش از حل مسائل شخصی در اولویت قرار می گیرد.
- (۲) مسأله مداری که خانی از آن ها یاد کرده، معمولاً درباره مسائل مهمی است که وی علاقمند حل آن است و این مسائل، مسائل خارج از خودش می باشد و حاکی از چیزی شبیه رسالت و مأموریت در زندگی است که او احساس می کند ناگزیر به پایان رساندن آن می باشد. آن ها چیزهایی هستند که خانی احساس می کند به انجام دادن آن موظف می باشد و این تکالیف خودمدارانه نیست، بلکه مربوط به مسائلی هستند که به خیر بشریت مربوط می شود. وی کردار و رفتارش را بخشی از هویت خود می داند و برای استواری ساختار هویتی خویش از هیچ کاری فروگذار نمی کند و کارهای شان اگر چه مستقل از پاداش بیرونی است که او دریافت می کند که قابل ستودنی است.
- (۳) خانی آزادمنشی است که در دینداری نیز آزادگی دارد و دیگران را در باورهای خویش آزاد می داند. از بی حرمتی و تحقیر ادیان و مذاهب پرهیز می کند. دین را بیشتر از جنبه فطری تبلیغ می کند و همگان را به هدف نهایی دین، که کمال انسانی است، فرا می خواند.
- (۴) خانی بطور کلی به مسائل خارج از خود توجه داشته از اینرو، بیشتر مسأله مدار است تا خود مدار. او داری رسالتی در زندگی است و وظیفه ای برای انجام دادن آن دارد و برای این کار دلایل خاص خود را داشته است. هدف هایی که بسیار فراتر از ذهن درون گرا یا اندیشه معاش آلود افراد عادی بود. نمونه هایی در مثنوی مم و زین وجود دارد که در آگاهی و بیداری اجتماعی نقش بسزایی داشتند. مثنوی مم و زین با زبانی نمادین از اوضاع دردناک و تیره ملت کرد سخن می گوید. مثنوی مم و زین دارای خصلت اجتماعی و سیاسی، عشق به وطن، آزادی، قانون خواهی، پیشرفت و انتقاد از حکومت و توجه به طبقات بهره کش است و این خصلت ها وجه شاخص مسأله محوری در اندیشه و شخصیت خانی به شمار می آید.
- (۵) خانی با درک اهمیت زبان در حفظ انسجام فرهنگی، مدت زمانی را بر جان هموار می سازد تا زبان کوردی، این گنج پرهای فرهنگ ملت مظلوم کورد را زنده گرداند. از اینرو، خود را دارای مأموریت یا رسالتی می دانند که بیشتر انرژی خود را صرف آن می کنند. زیرا خانی احساس تعهد و یا وقف کردن خود به کار یا حرفه یا هنری خاص داشته است که از نظر مازلو این موارد از الزامات خود شکوفایان است.
- (۶) احمدخانی از نخستین شاعران واقع گرا، متعهد به هویت و اصالت تاریخی ملت و سرزمین خویش است و حفظ ارزش و کرامت انسانی و رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، دغدغه اصلی اوست. طوری که اشعارش به مانند سروده های ملی سرشار از ذوق، عزت، غرور و سربلندی است. در مثنوی مم و زین؛ گویای دردها و رنج هایی است که در برهه ای از تاریخ بر ملتی وارد آمده است. فریادی است شجاعانه که از ملت ها می خواهد، ذلت و خواری را از خود دور سازند. تردیدی نیست که این نوع شعر می تواند همت و اراده ملت را بر ضد تجاوزگران برانگیزد.
- (۷) خانی به عنوان شاعر برجسته کرد، مثل دیگران، تلخی بلای خانمان سوز سرزمینش را چشیده است؛ فاجعه ای که باعث شد تا وی بهترین اشعار حماسی را درباره هراس این فاجعه و پیامدهای ناشی از آن از قبیل؛ ویرانی، آوارگی و دردها بسراید. خانی با اشعار زیبا و سرشار از عشق به میهن و هم میهنان خود، که با راه آزادی وطن از دست دشمنان تجاوزگر، با مبارزان

کرد همراه و هم صدا شد و نام خود را در میان شاعران کرد و به ویژه شعرای مقاومت، جاودانه کرد. در حقیقت وی متعهد شده است که ثروت ادبی خود را در راه آزادی وطن و میهن دوستی به خدمت گیرد و با عرضه نوعی ادب متعهد، نقش خود را در راه آزادی وطن به خدمت گیرد و با عرضه نوعی ادب متعهد، نقش خود را در صحنه مبارزه علیه اشتغالگران ایفا نماید.

پی نوشت ها:

۱. Humanism

۲. Humanistic Psychology

۳. Gordon Willard Allport

۴. Abraham Harold Maslow

۵. انگیزش در اصطلاح به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. انگیزش به این معنا تمامی روانشناسی را در برمی گیرد، اما روانشناسان مفهوم انگیزش را به عواملی محدود می سازند که به رفتار نیرو می بخشد و به آن جهت می دهد (اتکینسون و همکاران، ۱۹۷۵: ۵۰۹)

۶. Self actualization needs

۷. Stuart Hall

۸. البته فرایند جهانی شدن از طریق بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر ساختن مرزها و گسترش چشم گیر فضای اجتماعی، منابع و شرایط لازم برای هویت سازی و معنایابی سنتی را تا حدودی بسیار زیاد از بین می برد. در نتیجه، نوعی بحران هویت و معنا پدید می آید و بازسازی هویت گریزناپذیر می شود. برخی افراد چیره شدن بر بحران را تنها در گرو توسل به منابع و شیوه های سنتی هویت سازی می دانند و بدین ترتیب، بستر اجتماعی مناسبی برای خاص گرایی های فرهنگی فراهم می شود (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۶۷).

۹. Tomlinson

کتابنامه:

اتکینسون، ریتال، ریچارد، س. اتکینسون و ارنست ر. هیلکارد (۱۹۷۵)، زمینه روان شناسی، ترجمه جمعی از مترجمان، ج ۱، چاپ ششم، تهران: رشد

اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۰). جام جهان بین، چاپ دوم، تهران: جامی

آل پتری، هربرت (۱۳۸۲). «آبراهام مزلو و خودشکوفایی»، ترجمه جشید مطهری طشی، مجله معرفت، شماره ۶۹: ۹۴-۱۰۰

برونو، فرانکو (۱۳۷۰). فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی، ترجمه مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، چ ۱، تهران: طرح نو

پارسا، محمد (۱۳۷۸). بنیادهای روانشناسی، چاپ اول، تهران: نشر سخن

تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی

تمیم داری، احمد (۱۳۹۱)، فرهنگ عامه، چاپ دوم، تهران: انتشارات مهکامه

خانی، احمد (۱۹۶۲). مم و زین. ترجمه م. هزار. ههولیر: ئاراس

_____ (۲۰۱۲). مم و زین. ترجمه د. شیرزاد شفیع بارزانی. چ اول. اربیل: دانشگاه صلاح‌الدین

راتوس، اسپنسر (۱۳۸۸)، روانشناسی عمومی، ترجمه دکتر حسین ابراهیمی مقدم و همکاران، چاپ دوم، تهران: ساوالان

روح الامینی، محمود (۱۳۷۷)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات مهدی

زرشناس، شهریار (۱۳۸۱). «نسبت ادبیات، تعهد و آرمان‌گرایی»، مجله ادبیات داستانی، شماره ۶۷ و ۶۶، ص ۲۵ - ۲۲.

سارتر، ژان پل (۱۳۷۰)، ادبیات چیست؟، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، تهران: زمان

شالیان، ژرار (۱۳۸۷). گنجینه حماسه‌های جهان. ترجمه و توضیح علی اصغر سعیدی. چ ۳. تهران: نشر چشمه.

شکری، جیهاد (۲۰۱۸)، تقابل عقل و عشق در مثنوی مم و زین، مجله دانشگاه صلاح‌الدین اربیل، جلد ۲۲، شماره ۳، صص

۲۶۲-۲۸۱

شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). نقد ادبی، چاپ سوم، تهران: میترا

شولتس دوان، (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جمهوری، چاپ اول، تهران: ارسبارا

شولتس دوان، (۱۳۸۴). روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چاپ دوازدهم، تهران: پیکان

فیست، جس و گریگور جی. فیست (۱۳۹۱). نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی. چاپ هفتم، تهران: روان

فیسک، جان (۱۳۸۳). فرهنگ و ایدئولوژی، ارغنون شماره ۲۰ فرهنگ و زندگی روزمره ۲- تهران: سازمان چاپ و انتشارات

کاستلز، مانوئل و اینس، مارتین (۱۳۸۴)، *گفت‌وگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جدافشانی، تهران: نشر نی

کریمی، یوسف (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت. چاپ اول، تهران: انتشارات رشد

گلدمن، لوسین (۱۳۸۲)، نقد تکوینی، ترجمه محمد تقی غیاثی، تهران: نگاه

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، نشر نی

گورین، ویلفرد. ال و دیگران. (۱۳۸۳). مبانی نقد ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر

گوهرین، سید صادق. (۱۳۶۷)، شرح اصطلاحات تصوف، ج ۷، تهران: نی

مزلو، آبراهام (۱۳۷۲). انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی

نوروزی، زینب و همکاران (۱۳۹۱)، بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه مزلو، مجله متن شناسی ادب فارسی، شماره ۱۶، صص ۱۷-۳۲

هدفیلد، جیمز آرتور (۱۳۷۴)، روانشناسی و اخلاق، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

هیپولیت، ژان. (۱۳۷۱) پدیدار شناسی روح برحسب نظر هگل، تألیف و اقتباس کریم مجتهدی، چاپ اول، تهران: نشر علمی و فرهنگی

Hall, Stuart. (1996): New ethnicities. Stuart Hall: Critical dialogues in cultural studies 441-449

Heylighen, Francis. (1992). "A Cognitive-Systemic Reconstructon of Maslow s Theory of Self-Actualization", Behavioral Scienece, Vol 37, P.P 39-57.

Maddi, S.R (1996). Personality theories: a comparartive analysis (6th Ed). California: Brookes Cole Publishing Company.

Maslow, Abraham. 1968, Toward a Psychology of Bing. New York. Van Nostrand Reinhold Company Inc.

پوخته:

ئابراهام هارلۆد مزلۆ (١٩٧٠-١٩٠٨) يهكێكه له پيشروهوانی دهروونناسی مرۆف خواز و خاوهنپرايانی بواری ورژینهری مرۆفایهتی دهژمێردریت. ئەو له باره‌ی ورژینهری مرۆفایهتی خاوهنی چهند تیۆریکه، ئەم تیۆرانه له‌سه‌ر ویستی مرۆف بۆ خۆ پینگه‌ياندن هۆگری به‌ ئەنجام گه‌ياندنی تواناکانی دامه‌زراوه. ئەو رای وایه که مرۆف ئەو تواناییه دهروونیییه‌ی هه‌یه که ویسته‌کانی به‌ شیوه‌ی هه‌نگاو به‌ هه‌نگاو و هۆشیارانە له‌ ژياندا جێ به‌جێ بکات و به‌رزیا بکاته‌وه. خانی له‌ سنووری ئەده‌بی کوردیدا له‌و که‌سایه‌تییه‌ ئەده‌بیانه‌یه که له‌سه‌ر بنه‌مای ئەو پێوه‌رانه‌ی مزلۆ باسی کردووه، ده‌کرێ هه‌لسه‌نگیندریت. نووسه‌ر له‌و توێژینه‌وه‌دا هه‌ولێ داوه به‌ شیوه‌ی به‌راوردی-شیکاری یه‌کێک له‌ گه‌رنه‌ترین پێوه‌ره‌کانی تیۆری خۆپینگه‌ياندنی مزلۆیه، مه‌سه‌له‌ ته‌مه‌ری له‌ که‌سایه‌تی خانیدا هه‌لسه‌نگینیت و که‌سایه‌تی خانی پێشانی خۆینه‌ران بدات. بۆ ئەوه‌ی له‌ روانگه‌ی مزلۆوه نیشان بدات که ئەحمه‌دی خانی له‌و بو‌ارانه‌دا له‌ باره‌ی خۆپینگه‌ياندن و مه‌سه‌له‌ ته‌مه‌ری که‌سیکی دیاره. له‌و رینگه‌یه‌وه که‌سایه‌تی خانی له‌و بو‌ارانه‌دا شیده‌کاته‌وه و نیشانی خۆینه‌ری ده‌دات. چونکه‌ خانی ئەرکیکی گه‌وره‌ی هه‌بوو که وزه‌ی سه‌ره‌کی خۆی له‌ پێناو ئەو نا بوو. خانی ویسته‌کانی خۆی له‌ پێناو ئامانجی گه‌وره‌تر ده‌نیت که مایه‌ی شانازی کۆمه‌لگه‌ و به‌ره‌کانی ئیستا و داها‌توون.

وشه سه‌ره‌کییه‌کان: مزلۆ، خانی، مه‌سه‌له‌ی مه‌م و زین، خۆپینگه‌ياندن، مه‌سه‌له‌ ته‌مه‌ری

The central issue in the reason and personality of Ahmadi Khani on the base of Abraham Maslow's Theory

Jihad Shukri Rashid

Department of Persian, College of Languages, University of Salahaddin.Erbil, Kurdistan Region,Iraq

Email: Jihad.rashid@su.edu.krd

Abstract:

Abraham Harlod Maslow (1908-1970) was one of the pioneers of human beings in the field of psychology, who had a lot of theories on this topic. His opinion was; human being has the ability of making his needs tangible in the real life and progress them step by step. Khani in the border of Kurdish literature wrote about Maslow's theory and it could be evaluated. The writer of this research tries to evaluate Maslow's theory in Khanis writing and at the same time presents Khani's personality and characteristic to the reader by using the analytical-comparative method, because Khani had a big role in this area since he used his needs on the behalf of his nation now and in the future.

Key words: Maslow, khani, methnawi of mamu zin, The central issue.